

دو مرجع مرغوب

ایرج افشار

ارشد و دکتری ۱۳۳۳ - ۱۳۸۴ است به‌گردآوری آقای محمدمامین ناصح در سلسله انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۶) در ۱۷۷ صفحه و حاوی مشخصات زیر:

زبانهای ایرانی ۲۴۱ رساله
ادبیات کهن فارسی ۱۸۸ رساله
آموزش زبان به خارجیان ۱۱۳ رساله
آواشناسی و واج‌شناسی ۹۳ رساله
معنی‌شناسی ۱۵۶ رساله
جامعه‌شناسی زبان ۲۰۴ رساله
روان‌شناسی و عصب‌شناسی زبان ۱۶۴ رساله
زبان‌شناختی ترجمه شده ۹۱ رساله

(جمع ۲۵۰۰ رساله)

از این فهرست باید چنین استنباط کرد که رساله‌های مرتبط به مقولات دیگر زبان و ادب مانند دستور (جز تحلیل نحوی - دستوری صفحه ۳۴ به بعد) و گویش می‌باید در جلدی دیگر عرضه شود. در عنوان‌گذاری کتاب کاش به جای «عرصه» اصطلاح «رشته» به کار رفته بود که تداول و مناسبتش روشن و بیشتر می‌بود. در معرفی هر رساله، مشخصات چنان‌که مرسوم است آمده: اسم مؤلف، عنوان رساله، نام استاد راهنما، درجه و نوع تحصیل، نام دانشگاه، سال دفاع.

برای آن تنها یک نمایه فراهم شده است. چون شماره ردیف رساله‌ها از اول تا آخر یک سره نیست و هر یک از هشت بخش دارای شماره ردیف مستقل است و شماره بخشها در بالای صفحات نیامده، در نتیجه پیدا کردن شماره‌ها با تورق صفحات وقت گیر و دشوار شده است. طبعاً دادن صفحه و شماره رساله کار را آسانتر می‌کرد.

- برای این مرجع چند نمایه دیگر ضروری و مشکل‌گشا بود.
۱. نمایه نام استادان راهنما که طبعاً آماری می‌شد برای اطلاع از علاقه‌مندی استادان به پذیرفتن رساله و مقدار کار هر یک.
 ۲. واژگان مدخلی و راهگشا، به‌طور مثال موسیقی (۳/۳)، معنی‌شناسی مرجعی (۵/۳)، تصویر (۱۲/۳)، نرم‌افزار (۱۷/۳)، ترکمن (۹۲/۴) و همه اسمی جغرافیایی که بار گویشی یا زبانی دارد، صفت، معرفه و نکره و نظایر آنها
 ۳. نمایه اسمی کتابها: اوستا، یشت، شاهنامه، یادگار جاماسب و صدها کتاب دیگر که از جهتی موضوع رساله‌ها بوده‌اند.
 ۴. نمایه اسمی شاعران و نویسندگان.
 ۵. حق بود که اسمی نویسندگان ایرانی که رساله به زبان خارجی نوشته‌اند در ضمن نمایه نام فارسی صاحبان رساله در یک جا آمده بود. البته آوردن آنها به خط لاتین به‌طور جدا هم مفید است ولی مدغم شدن آنها به نمایه اصلی به‌نظر مناسبت داشت.
 ۶. بالاخره نمایه‌ای برای دانشگاهها.

این روزها دو کتاب مرجع به دستم رسید که هر دو برای اهل تحقیق و مخصوصاً دانشجویان فایده بخش و ارزشمند است و چون مرجعهای تخصصی اهمیتی خاص دارند، امیدوارم چند کلمه‌ای که درباره هر یک از آنها نوشته شده است جایی برای درج در جهان کتاب - که خود نشریه مرجعی است - داشته باشند.

فرهنگ واژگان گویشهای ایران

غلامرضا آذری کار بزرگ، سودبخش و تازه‌ای را برای واژه‌های گویشی فارسی ایران انجام داده و به نام بالا در ۷۴۲ صفحه نشر کرده است (نشر هزار، ۱۳۸۷).

ایشان از روی بیشتر فرهنگهایی که از سال ۱۳۳۲ (نخستین آنها فرهنگ گیلکی منوچهر ستوده و سپس فرهنگ لارستانی احمد اقتداری) نشر شده و دیده است، لغات را درهم و الفبایی کرده و طوری شده است که اگر یک واژه در چند گویش استعمال دارد با هم به خواننده ارائه می‌شوند و واژه‌های هم معنی را می‌شناسیم.

ایشان فهرست واژه‌نامه‌های دیده شده را در پایان نوشته‌اند و از آنها بر می‌آید که چنین کاری هنوز دنباله دارد، زیرا دیدم به‌طور مثال واژه‌نامه یزدی دیده نشده است که از قضا دو گردآوری متفاوت از آن هست.

درباره گویشهای ایران نخستین فهرست را نیکلا راست گردآورد و در مجله فرهنگ ایران زمین (سال نخست) چاپ شد و پس از آن فهرست دیگری را مخصوصاً از کارهای ایرانیان من گرد آوردم که در جشن‌نامه ژیلبر لازار (پاریس) به چاپ رسید. از صفحه ۱ تا ۴۲۱، واژه‌نامه درهم است و اگر به‌طور متوسط در هر صفحه دست کم ۵۰ واژه ضبط شده باشد ۳۶ هزار واژه یا کمی بیش از آن در این مجموعه دیده می‌شود.

کتاب دارای پیوستی است درباره نامهای برنج، انگور، انجیر، خرما و ماهی که رعایت الفبایی بودن کلمات در آنها نشده است. چرا؟ ندانستم و در نیافتم. البته این پیوستها جذاب و آموختنی است. کار سودمند دیگر مؤلف گردآوری الفبایی واژه‌های فارسی همگانی است که از روی آن بتوان واژه گویشی معادل را یافت و این فهرست نام «برابریاب فارسی» گرفته است (حدود ۱۵ هزار). در پایان فهرست نامهای جغرافیایی است که گویش آنجا درین کتاب آمده است. مثلاً شش واژه بهیسانی یا از بختیاری بیش از دوپست تا. باید امید ورزید ایشان در چاپ دوم با توجه به کثرت مطالعات گویشی آنچه را ندیده‌اند بدان بیفزایند و این کار ارزشمند و دلپذیر ایران - دوستانه را کامل نمایند.

فهرست پایان‌نامه‌های دانشگاهی

مرجع مفید دیگر فهرست پایان‌نامه‌های دانشگاهی در عرصه زبان و ادب فارسی و مسائل زبان‌شناسی دوره‌های کارشناسی